

رونویسی یا فهمیدن!

یادداشت سردیبر

H66Amiri@yahoo.com

در این مجال می‌خواهم به عنوان یک معلم ریاضی کمی درد دل کنم و حتی کمی هم راهنمایی. شاید تعدادی از شما دانش‌آموزان عزیز این حرف‌ها را به گوش جان بخرید!

بهرتر است کمی راجع به کمال و به کمال رسیدن انسان‌ها صحبت کنیم. اصولاً یکی از بارزترین ویژگی‌های انسان که به خوبی او را از همه‌ی موجودات دیگر جدا می‌کند، ویژگی یا قدرت یادگیری اوست. کسب علم و معرفت، از ویژگی‌هایی است که فقط انسان از آن برخوردار است. در قرآن کریم، در احادیث و روایات و حتی در ادبیات و شعر ایرانیان، همواره درباره‌ی کسب و طلب علم و دانش اندوزی، تأکید و تأیید فراوان می‌شود، اما آیا فقط کسب علم و دانش برای به کمال رسیدن انسان کافی است؟ البته که این علم‌اندوزی و دانش‌آموزی لازم است، ولی کافی نیست!

در واقع، برای پرواز به سمت کمال، دو بال لازم داریم که یکی از آن‌ها رسیدن به معرفت است، ولی بال دوم که در واقع مکمل این معرفت است، چیست؟ آیا برای رسیدن به این معرفت و پس از نیل به آن برای ادامه‌ی حرکت به سمت کمال که حرکتی است دنباله‌دار و مستمر، به تلاش، کوشش و پشتکار نیاز نداریم؟ همان که در آموزه‌های دینی ما به مجاهدت و سعی از آن نام برده‌اند. آری، عزیزان دانش‌آموز، به قول شاعر بزرگ ایرانی، «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود». این جمله در واقع تفسیری است از آیه‌ی مبارکه‌ی «لیس للانسان الا ماسعی». باید برای رسیدن به معرفت و کسب علم تلاش کنید، پشتکار داشته باشید و پس از مشخص کردن هدف و برنامه‌ریزی برای رسیدن به آن، با تلاش و سخت‌کوشی و تمرین و ممارست، به هدف نزدیک شوید و به سمت تعالی و کمال حرکت کنید.

مشکلی که متأسفانه امروزه در مراکز آموزشی ما و بین بسیاری از دانش‌آموزان رواج پیدا کرده، راحت‌طلبی و به دنبال لقمه‌های حاضر و آماده و حتی جویده شده است. تا جایی که وقتی به مسئله‌ای تا حدی سخت در ریاضیات برخورد می‌کنند، یا به دنبال حل تشریحی آن هستند و یا بعد از کمی فکر کردن، آن را کنار می‌گذارند تا از معلم خود یا شخص دیگری سؤال کنند و اگر معلم جواب سؤال را ندهد و بخواهد فقط با راهنمایی، دانش‌آموز خود را به تأمل و تفکر وادارد تا خودش به جواب برسد و از حل آن لذت ببرد، معلم خوبی نیست. در واقع معلم خوب از نظر چنین دانش‌آموزانی، مساوی است با معلمی که حل مسئله را به راحتی در اختیار دانش‌آموزان خود قرار دهد، لقمه را بچود و در دهان آن‌ها بگذارد و حتی به جای آن‌ها قورت بدهد! کلاس‌های درس ریاضی بیشتر به کلاس‌های جزوه‌نویسی یا به اعتقاد من کلاس رونویسی تبدیل می‌شوند!

در یک کلاس، مسئله‌ای (مسئله‌ای در احتمال شرطی) را به سه روش حل کردم و به سه جواب متفاوت رسیدم. بعد از دانش‌آموزان خواستم، به صورت گروهی (دو یا سه نفری) روی این مسئله بحث و مشخص کنند، جواب درست کدام است و اگر به یکی از جواب‌ها رسیدند، دلیل نادرست بودن دو جواب دیگر را هم بیان کنند. پس از صرف حدود ۳۰ دقیقه زمان، دانش‌آموزان دو تا سه جواب دیگر را هم برای مسئله یافتند که با جواب‌های من فرق داشت. بعضی از گروه‌ها نیز دلایل بسیار جالبی برای رد یا قبول جواب‌های من پیدا کردند. با جمع‌بندی و بحث روی جواب‌های دانش‌آموزان، به سه چهار نتیجه و تذکر مهم دست پیدا کردیم.

شاید در شروع کلاس و پس از طرح مسئله از طرف من، بسیاری از دانش‌آموزان فکر می‌کردند چرا آقا جواب صحیح را بیان نمی‌کند؟ شاید خودش هم شک دارد و بلد نیست! ولی در آخر کلاس، همگی راضی بودند و تلاشی که برای تجزیه و تحلیل آن مسئله انجام شده بود، بسیاری از نقاط مبهم را در مسائلی شبیه به آن برطرف کرد. حتی بچه‌های کلاس عادت کرده‌اند، وقتی حل مسئله‌ای را روی تخته می‌نویسم، به دقت گوش دهند و اشکالات خود را پرسند و وقتی کاملاً حل مسئله را فهمیدند، آن را در دفتر خود یادداشت کنند. ولی نه از روی تخته، بلکه بدون نگاه کردن به تخته و فقط با استفاده از یافته‌های خودشان. این نوع نوشتن، دیگر دیکته نوشتن یا رونویسی نیست، بلکه تمرینی است بر آن‌چه که آموخته‌اند.

پس بیایید از همین فردا در کلاس درس به صورت فعال و پرتلاش ظاهر شویم و فقط به دنبال آماده شده‌ها و راحت‌الحلقوم‌ها نباشیم!